

ناسیونالیسم مثبت و تاثیر آن بر سیاست خارجی

۲۸ خرداد ۱۴۰۳ ساعت ۱۲:۴۵

باید توجه داشت ناسیونالیسم مثبت در محوریت با ایالات متحده که قطب مقابل شاه بود تعریف می-شد و اساسا یک ناسیونالیسم وابسته به قدرت-های جهانی بود.

شاه در طول دوران حکومت خود، سیاست‌های مختلفی را در عرصه سیاست داخلی و خارجی اتخاذ کرد. گرچه نقطه مشترک تمام سیاست‌های شاه همسوئی با منافع غرب بود؛ اما برخی از تحولات بین‌المللی تغییر در برخی از اصول سیاست خارجی و حتی داخلی را ایجاب می‌کرد. ناسیونالیسم مثبت از جمله این سیاست‌ها بود که تحت تاثیر روابط آمریکا و شوروی شکل گرفت. اما ناسیونالیسم مثبت چه بود و چرا اتخاذ شد؟ پاسخ به این سوال موضوعی است که در ادامه به آن پرداخته شده است.

سیاست ناسیونالیسم مثبت چیست؟

اصطلاح «ناسیونالیسم مثبت» برای توصیف رویکردی ناسیونالیستی به کار رود که بر همکاری، دیپلماسی و تعامل مثبت با سایر کشورها تأکید دارد. در این زمینه، یک سیاست خارجی با هدایت ناسیونالیسم مثبت ممکن است ایجاد اتحادها، ترویج همکاری اقتصادی و تقویت درک متقابل بین کشورها را در اولویت قرار دهد. بر این اساس وقتی کشوری تصمیم می‌گیرد مبنای سیاست خارجی خود را ناسیونالیسم مثبت قرار دهد؛ در این شرایط روابط با اکثر کشورها بر مبنای صلح و یا تقویت روابط دوستی تعریف می‌شود. محمدرضا پهلوی مطابق با این اصل، سیاست خود در دهه ۱۳۳۰ (۱۳۳۲-۱۳۴۲) را بر مبنای سیاست خارجی تعریف کرد.

ناسیونالیسم مثبت محمدرضا پهلوی

سیاست ناسیونالیسم مثبت بعد از کودتای ۲۸ مرداد و پیروزی سیاسی شاه در مقابل دکتر مصدق اتخاذ شد. در واقع قبضه کردن قدرت توسط شاه پس از بازگشت به ایران با تغییرات عمده‌ای در عرصه سیاست خارجی همراه بود. عنصر اساسی سیاست جدید را همسوئی و همبستگی بیشتر با کشورهای غربی و در راس آنها آمریکا و انگلستان تشکیل می‌داد. به همین دلیل حکومت ایران به موازات گسترش مناسبات با آمریکا تلاش کرد روابط خود را با دولت انگلستان بهبود ببخشد و به دو مشکل به ارث برده از دوران حکومت دکتر مصدق یعنی تامین ثبات داخلی و محل مساله نفت پایان بدهد.^[۱]

شاه طی سخنان ۲ مرداد ۱۳۳۸ زمینه‌های طرح رویکرد ناسیونالیسم مثبت را چنین شرح داد:

«سی سال است اوضاع کشور ما به کلی عوض شده است. در سال ۱۲۹۹ انقلاب ملی و ناسیونالیستی ایران شروع شد... مملکت ما

از ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ راهی را پیمود که همه دیدند... ما مملکتی داریم و پادشاهی و مجلسی و سنایی که تصمیمات متخذه از طرف قوه مجریه در آنها رسیدگی می شود و دیگر کارها در خانه چند سیاستمدار ورشکسته حل و فصل نمی شود. [۲]

سخنان شاه در واقع متضمن ترغیب حس وطن پرستی و حس ملی است. اما چگونه می توان این حس را ایجاد کرد؟ به زعم شاه شخص اول مملکت تنها کسی است که می تواند مشکلات کشور را حل و فصل کند و این امر زمانی اتفاق می افتد که شاه از قدرت کافی برخوردار باشد. گذشته از این برای رسیدن به ناسیونالیسم مثبت باید سیاست های قبلی از جمله ناسیونالیسم منفی را که در زمان مصدق اتخاذ شده بود کنار گذاشت. البته سیاست همراهی و همکاری با کشورها به معنای همکاری با کشورها نبود بلکه در ناسیونالیسم مثبت شاه، شوروی همچنان به عنوان تهدید اصلی تلقی می شد. به طور کلی از نظر شاه ناسیونالیسم دو بعد داشت: یک بعد حقیقی و بعد دیگر غیر حقیقی. ناسیونالیسم غیر حقیقی از نظر شاه همان سیاست ناسیونالیسم منفی مصدق بود. اما ناسیونالیسم مثبت شکل دیگری از ائتلاف بود که می توانست باعث تامین مصالح و منافع ملی ایران شود و از طرفی به جای انزوای طلبی، امکان همکاری را فراهم آورد. در واقع به نظر میرسد شاه ناسیونالیسم مثبت خود را به نوعی در مقابل ناسیونالیسم مصدق که مردمی بود و از بدنه اجتماعی نیز برخوردار بود تعریف و ایجاد کرده بود.

نتایج اتخاذ سیاست ناسیونالیسم مثبت

مطابق با سیاست جدید شاه، ایران به عضویت پیمان بغداد درآمد. پیمانی که در تضاد و تقابل با اتحاد جماهیر شوروی بود. چرا که در ناسیونالیسم مثبت شاه، خطر شوروی بسیار پررنگ بود. شوروی از نگاه شاه مانعی در برابر تحقق مصالح و منافع ملی کشور بود. از این رو رابطه با شوروی به چند همکاری اقتصادی نه چندان مهم محدود شد. البته دیدارهایی در جهت تقویت روابط بازرگانی و سیاسی کشور نیز صورت گرفته اما همکاری دو کشور در مسائل سیاسی بسیار کند پیش رفت و نتایج امیدبخشی نداشت. البته تیرگی روابط ایران با کشور به سایر اقدار شوروی نیز کشانده شد و روابط با آنها نیز تضعیف گردید. بنابراین باید توجه داشت ناسیونالیسم مثبت در محوریت با ایالات متحده که قطب مقابل شاه بود تعریف میشد و اساساً یک ناسیونالیسم وابسته به قدرتهای جهانی بود.

تقویت روابط با انگلیس

سیاست ناسیونالیسم مثبت همانطور که گفتیم تحت تاثیر روابط بین الملل به وجود آمد. این دوره در واقع مقارن با اوج گرفتن جنگ سرد و تنش های سیاسی و نظامی میان دو ابرقدرت بود. بنابراین تنش های ایران با شوروی نیز به اوج خود رسید و در مقابل همکاری با کشورهایی همچون انگلیس تقویت شد. بر این اساس در پاییز ۱۳۳۲ و کمی بعد از تحولات کودتا، مجلس عوام انگلیس، فیلیپ پرایس یکی از نمایندگان حزب کارگر را راهی ایران کرد. پرایس با شاه و مقامات عالیرتبه ایران دیدار کرد. گفتگوی شاه با پرایس از اهمیت زیادی برخوردار بود. البته محمدرضا شاه نیز در این ملاقات علاقمندی خود را به برقراری مجدد روابط با انگلستان ابراز نمود. [۳] نتیجه این دیدارها تجدید روابط با شوروی بود که از نظر مردم ایران کشوری غارتگر محسوب می شد.

تقویت روابط با آمریکا

همانطور که گفته شد آمریکا که در راس بلوک غرب قرار داشت مهمترین کشوری بود که مورد توجه شاه قرار گرفت. در واقع شاه

رابطه با آمریکا را بسیار مهم می‌دانست و آن را به عنوان روابط حامی- پیرو تعریف کرد. گرچه او عملاً به این رابطه اذعان نکرد؛ اما تسلط آمریکا بر شاه به گونه‌ای پیش رفت که جز نام حامی- پیرو نام دیگری نمی‌توان بر آن گذاشت. با این حال این روابط باعث شد تا آمریکا در بسیاری از امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ایران نقش پررنگی پیدا کند. یکی از تأثیرات مهم این رابطه را می‌توان در تدوین لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، انقلاب سفید و کاپیتولاسیون مشاهده کرد.

تقویت بعد دیکتاتوری شاه

ناسیونالیسم مثبت تأثیرات سیاسی خاصی نیز بر توزیع قدرت سیاسی کشور داشت. مهم‌ترین تأثیر را می‌توان پررنگ شدن بعد دیکتاتورمآبانه شاه دانست که از طریق تشکیل ساواک و همکاری نظامی و سیاسی با کشورهای چون آمریکا و اسرائیل شکل گرفت. اسرائیل یکی از کشورهای مهم در تاسیس ساواک بود.

سخن نهایی

ناسیونالیسم مثبت به خوبی بیانگر آن است که شاه از نظر اراده سیاسی قدرت تصمیم‌گیری مستقل را نداشت. ناسیونالیسم به خودی خود کلمه‌ای مثبت است؛ از این رو شاه با بهره‌گیری از جنبه مثبت آن تلاش کرد تا ضمن پیش بردن اصول سیاست خارجی خود، نظر مردم را نیز به خود جلب کند. اما در نهایت اتفاقات و تحولات سیاسی اوایل دهه ۱۳۴۰ بطلان این سیاست را نشان داد.

[۱] - علیرضا ازغندی، روابط خارجی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران، نشر قومس، چاپ ششم، ۱۳۸۴، ص ۲۴۲

[۲] - مظفر شاهی، رستاخیز بزرگ: اشتباه بزرگ، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۲، ص ۸۳

[۳] - ازغندی، همان، ص ۲۴۲

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49679/خارجی-سیاست-تأثیر-مثبت-ناسیونالیسم>